

بِه نام خدا

از همه مهربان تر





از همه مهربان تر

یک روز از مادرم پرسیدم: «دعا یعنی چه؟»
مادرم گفت: «دعا یعنی حرف زدن با خدا. در موقع دعا با خدا سخن می‌گوییم
و از او یاری می‌خواهیم.»

وقتی فهمیدم دعا یعنی چه، تصمیم گرفتم که من هم دعا کنم. چون خیلی کارها هست که باید از خدا بخواهم در انجام دادن آن‌ها مرا یاری کند. من دعا می‌کنم که پدر و مادرم همیشه سالم باشند. دعا می‌کنم پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های مهربان پیش ما باشند؛ چون بازی کردن و حرف زدن با آن‌ها را خیلی دوست دارم. روزی از مادرم پرسیدم: «چرا همه پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها را دوست دارند؟»

مادرم گفت: «چون آن‌ها بسیار مهربان هستند، همه را دوست دارند و به همه محبت می‌کنند.»

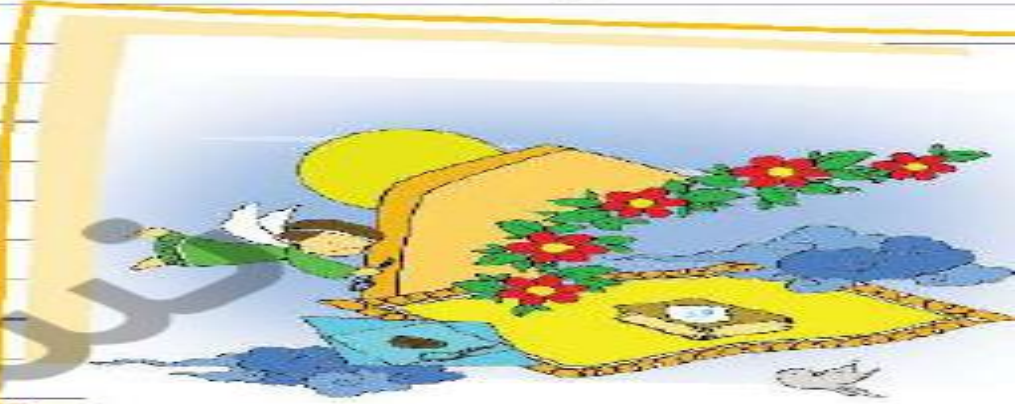
خدا کسانی را که به دیگران محبت و مهربانی کنند، دوست دارد.

خدایا، تو از همه مهربان‌تر هستی. من می‌دانم که تو انسان‌های مهربان را دوست داری. پس همیشه سعی می‌کنم با هم‌کلاسی‌هایم و حتی بچه‌های کوچک‌تر از خودم مهربان باشم تا تو مرا بیشتر دوست بداری!

«از همه مهربان تر»

آموختنی‌ها

- ۱ دعا کردن
- ۲ کمک کردن و محبت به دیگران مخصوصاً کوچک‌ترها
- ۳ صداهای مختلف نشاندی (ی) در کلمات
- ۴ آشنایی با مکان پدربری و مکان مادری



جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

- دعا:
- خیلی:
- سخن:
- فهمید:

کلمات مخالف

- پرسیدم =
- حرف زدن =
- بیش‌تر =

- محبت:
- یاری:
- حاضر:
- موقع:

- سالم =
- هست =

جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

دعا:

خیلی:

سخن:

فهمید:

کلمات مخالف

پرسیدم ≠

حرف زدن ≠

بیش‌تر ≠

محبت:

یاری:

حاضر:

موقع:

سالم ≠

هست ≠

جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

دعا: حرف زدن با خدا

خیلی: زیاد

سخن: حرف

فهمید: متوجه شد

کلمات مخالف

پرسیدم ≠

حرف زدن ≠

بیش‌تر ≠

محبّت: مهربانی

یاری: کمک

حاضر: آماده

موقع: زمان

سالم ≠

هست ≠

جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

دعا: حرف زدن با خدا.

خیلی: زیاد

سخن: حرف

فهمید: متوجه شد

کلمات مخالف

پرسیدم ≠ جواب دادم

حرف زدن ≠ سکوت کردن

بیش‌تر ≠ کم‌تر

محبت: مهربانی

یاری: کمک

حاضر: آماده

موقع: زمان

سالم ≠ مریض

هست ≠ نیست

صفحه ی ۶۴ کتاب فارسی علوی

کلمات هم معنی

درس هشتم

از همه مهربان تر



دوست بداری

فهمید

یاری

حرف زدن

محبت



یاری : کمک فهمید : متوجه شد

دوست بداری : دوست داشته باشی

محبت : مهربانی

حرف زدن : سخن گفتن

کلمات مخالف

درس هشتم

از همه مهربان تر



روز

کوچک تر

مهربان

بیشتر

سالم

دوست

روز ≠ شب

مهربان ≠ نا مهربان
کوچک تر ≠ بزرگ تر

بیشتر ≠ کمتر

سالم ≠ نا سالم

دوست ≠ دشمن

واژه سازی درس هشتم فارسی

از همه مهربان تر





پدر بزرگ
مادر بزرگ
پدر بزرگ
مادر بزرگ

پدر
مادر

بستگان



پسر عمه }
دختر عمه } عمه

پسر عمو }
دختر عمو } عمو

پسر دایی }
دختر دایی } دایی

پسر خاله }
دختر خاله } خاله

پیاموز و بگو هشتم فارسی

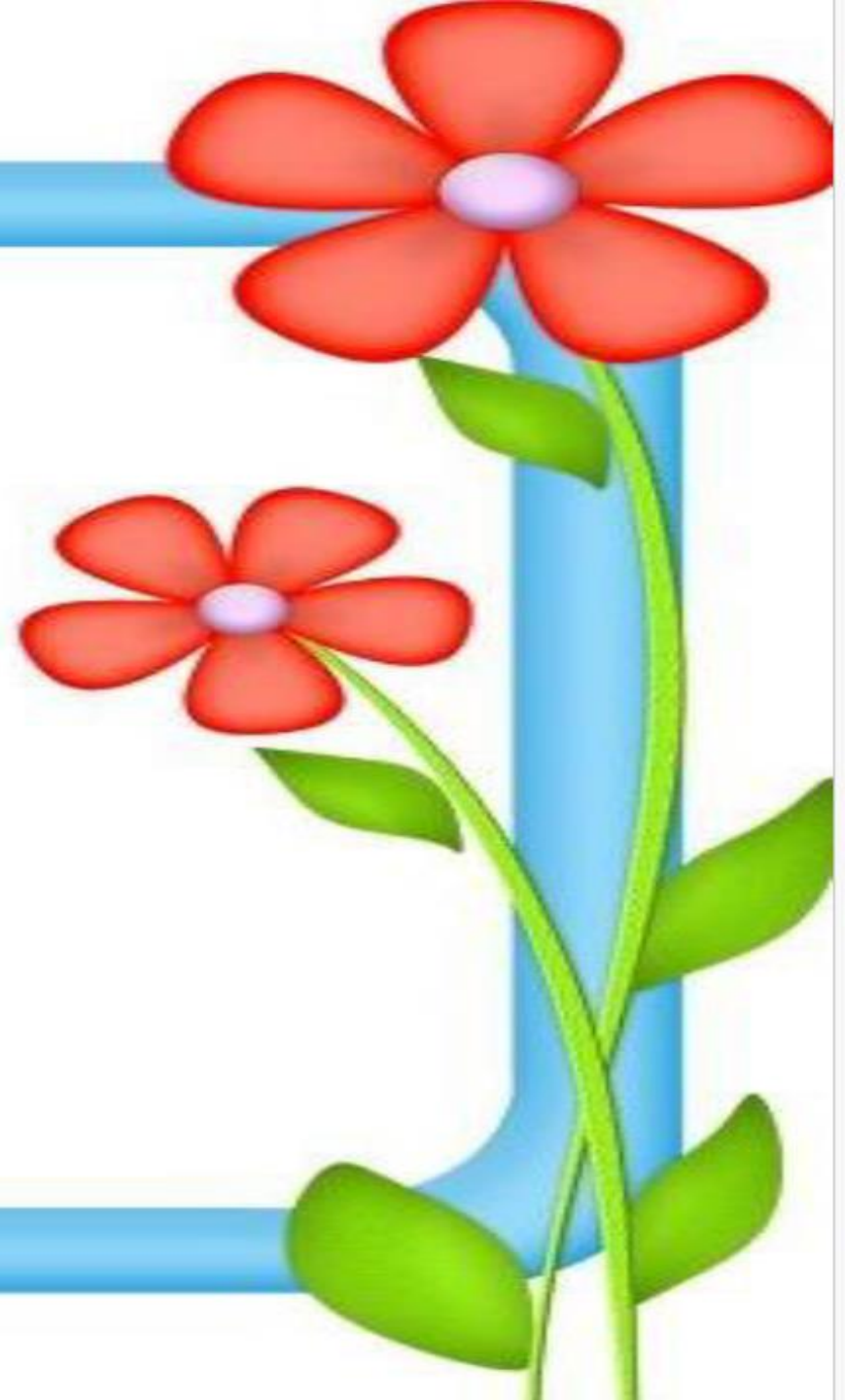
از همه مهربان تر



ساری

چای

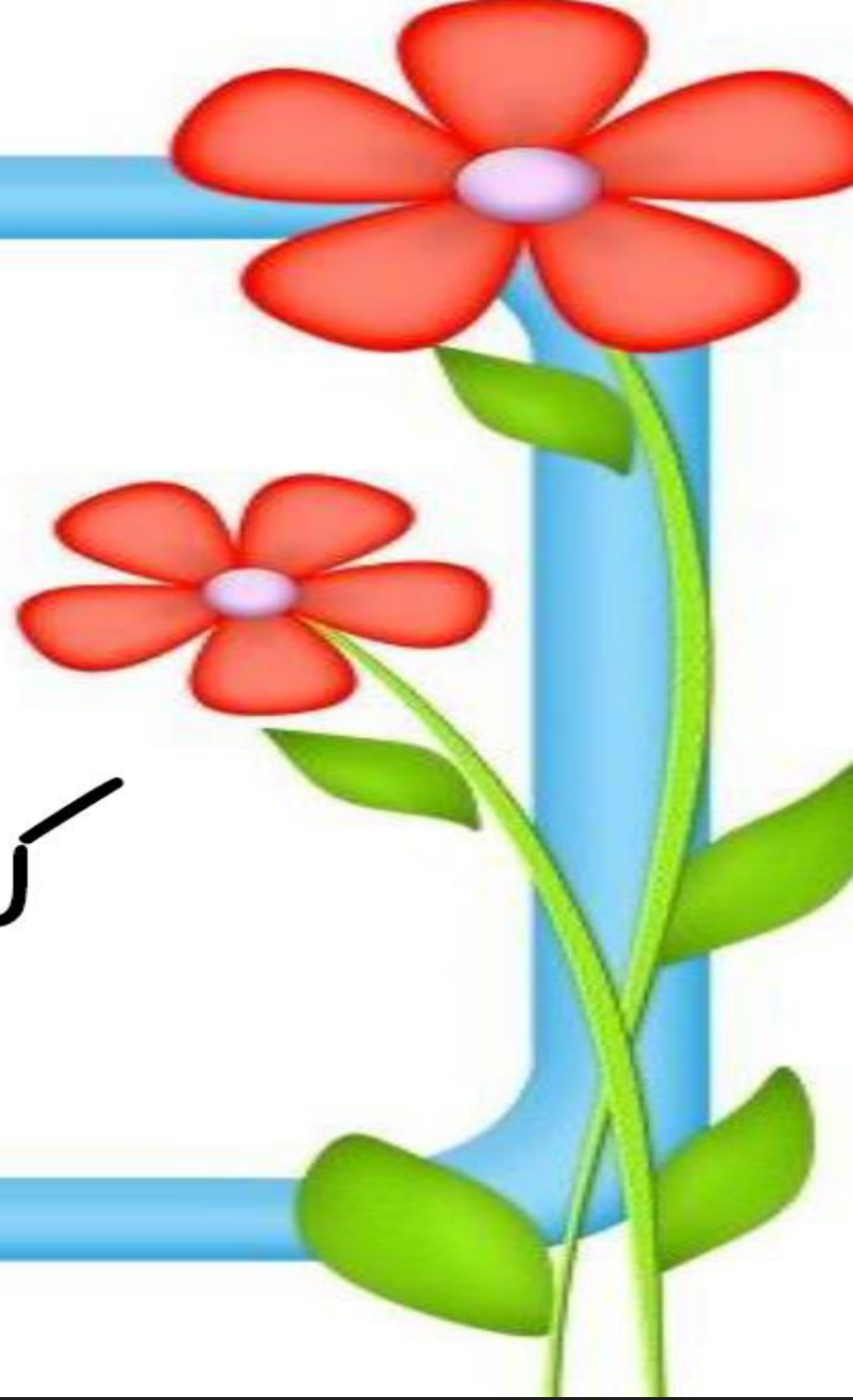
موسی



بازی

برای

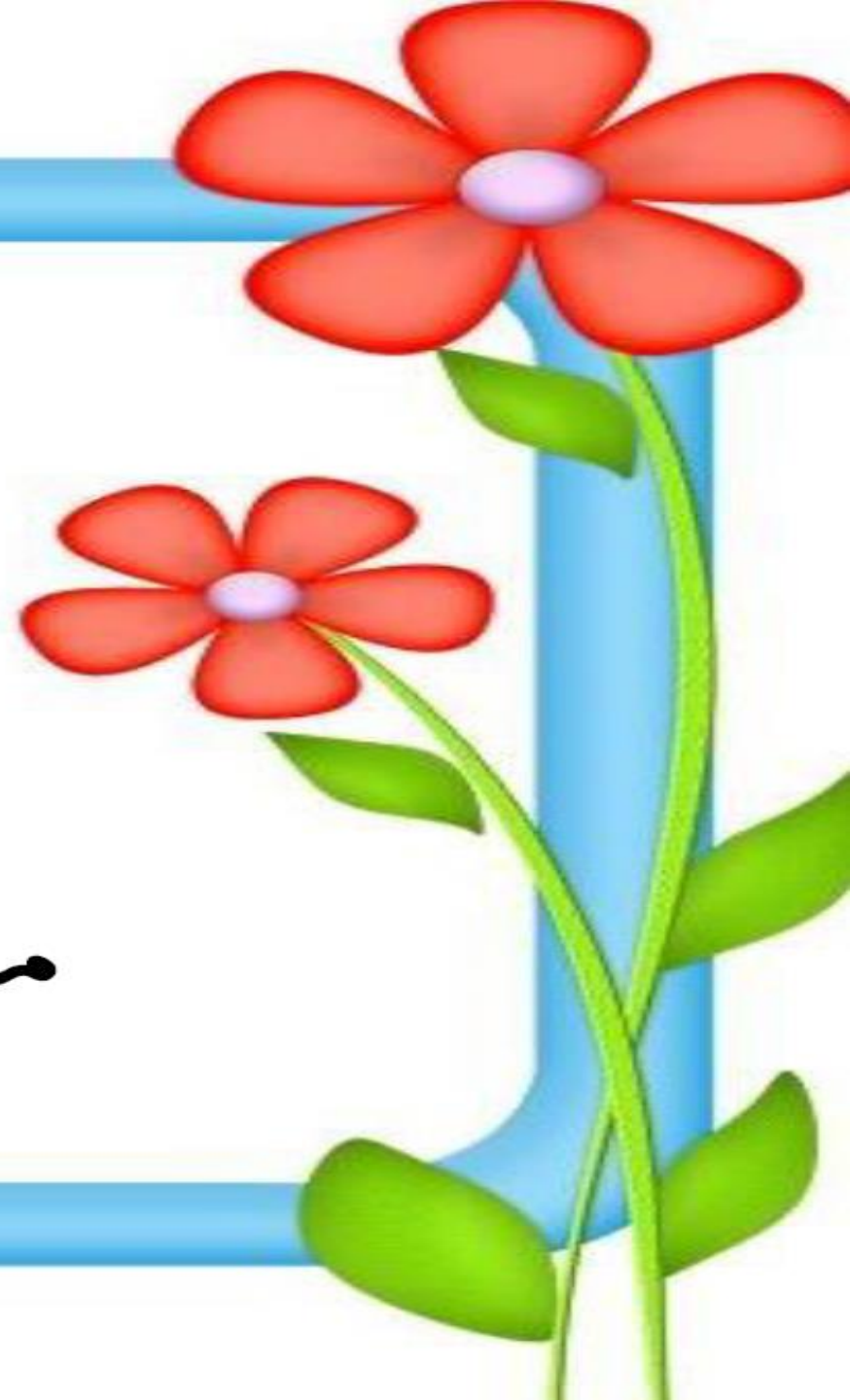
کبیری



سینہ

رأی

مصطفیٰ



نشانه ی (ی) صداهاى متفاوتى دارد.

در بعضى کلمات صدای (ای) مى دهد.

سارى - جارى - بازى

در بعضى کلمات صدای (ی) مى دهد.

چای - رأی - برای

در بعضى کلمات صدای (آ) مى دهد.

کبرى - صغرى - موسى



یعنی حرف زدن با خدا.

من دعا می‌کنم که پدر و مادرم همیشه باشند.
خدایا تو از همه هستی.

کلمه‌های درست داخل کمانک را انتخاب کن و دور آن خط بکش. بعد جمله‌های درست را بخوان.

مینا جلوی آینه (نشسته بود، نشانده بود) و چشم‌هایش را (بسته بود، بسته بودم). مادرش از او (پرسید، می‌پرسد): «چرا چشم‌هایت را (بسته‌ای، بسته بوده‌ای)؟» مینا (می‌گفت، گفت، گفته بود): «می‌خواستم (ببینم، دیده بودم، می‌بینم) وقتی (می‌خوابم، خوابانده بودم، خوابیده‌ام) چه شکلی (می‌شوم، بشوم، شوم).»

با کلمه‌های زیر جمله بنویس.

◆ مهربان:

◆ دعا:

◆ دوست:

◆ خدا:



دعا یعنی حرف زدن با خدا.
 من دعا می‌کنم که پدر و مادرم همیشه سالم باشند.
 خدایا تو از همه مهربان تر هستی.

کلمه‌های درست داخل کمانک را انتخاب کن و دور آن خط بکش. بعد جمله‌های درست را بخوان.

مینا جلوی آینه (نشسته بود، نشانده بود) و چشم‌هایش را (بسته بود، بسته بودم). مادرش از او (پرسید، می‌پرسد): «چرا چشم‌هایت را (بسته‌ای، بسته بوده‌ای)؟» مینا (می‌گفت، گفت)، گفته بود: «می‌خواستم (ببینم، دیده بودم، می‌بینم) وقتی (می‌خواهم، خوابانده بودم، خوابیده‌ام) چه شکلی (می‌شوم، بشوم، شوم).»

با کلمه‌های زیر جمله بنویس.

- ◆ مهربان: خداوند بسیار مهربان و بخشنده است.
- ◆ دعا: من برای شفای بیماران دعا می‌کنم.
- ◆ دوست: من پدر بزرگ و مادر بزرگم را دوست دارم.
- ◆ خدا: خدا بهترین دوست ما است.

۲ چهار کلمه در درس پیدا کن که هیچ‌یک از حرف‌های آن به هم نچسبیده باشد.

مثال: دوم

۳ از روی کلمه‌های زیر، دوبار بنویس و هر یک را با صدای بلند بخوان.

حتی - موسی - عیسی - مصطفی - مرتضی - مجتبی - یحیی

۴ اگر بخواهی با پدر و مادرت به مسافرت بروی، چه کارهایی باید انجام دهی؟

الف)

ب)

پ)

صفحه ی ۵۵ کتاب نگارش



۲ چهار کلمه در درس پیدا کن که هیچ‌یک از حرف‌های آن به هم نچسبیده باشد.

مثال: دوم روز او دادن دارد

۳ از روی کلمه‌های زیر، دوبار بنویس و هر یک را با صدای بلند بخوان.

حتی - موسی - عیسی - مصطفی - مرتضی - مجتبی - یحیی

بار اول <<<

بار دوم <<<

۴ اگر بخواهی با پدر و مادرت به مسافرت بروی، چه کارهایی باید انجام دهی؟

(الف) وسایل شخصی خود را جمع می‌کنم.

(ب) در بستن چمدان به پدر و مادرم کمک می‌کنم. صفحه ی ۵۵ کتاب نگارش

(پ) سعی می‌کنم به حرف بزرگ ترها گوش دهم و بچه خوبی باشم.



جمله‌ها را کامل کن.

۲

الف) من دعا می‌کنم

ب) در موقع دعا

پ) من همیشه سعی می‌کنم

با توجه به شکل پایانی کلمه‌ها آن‌ها را دسته‌بندی کن.

۳

کبری - قوری - مجتبی

ساری - عیسی - مرتضی

هدی - بازی - گلی

صدای

«ای»

صدای

«آ»

بنویس برای پیدا کردن دوست جدید، چه می‌کنی.

۴



صفحه ی ۵۶ کتاب نگارش



جمله‌ها را کامل کن.

۲

الف) من دعا می‌کنم که پدر و مادرم همیشه سالم باشند.

ب) در موقع دعا با خدا سخن می‌گوییم و از او یاری می‌خواهیم.

پ) من همیشه سعی می‌کنم با هم کلاسی‌هایم و حتی بچه‌های کوچک‌تر از خودم مهربان باشم تا تو مرا بیشتر دوست بداری.

با توجه به شکل پایانی کلمه‌ها آن‌ها را دسته‌بندی کن.

۳

کبری - قوری - مجتبی

ساری - عیسی - مرتضی

هدی - بازی - گلی

صدای

«ای»

صدای

«آ»

قوری - ساری - بازی - گلی

کبری - مجتبی - عیسی - مرتضی - هدی

بنویس برای پیدا کردن دوست جدید، چه می‌کنی.

۴

سعی می‌کنم با کسی دوست شوم که همه درباره او حرف‌های خوب

بزنند و فردی با ادب، درس‌خوان باشد.

صفحه ی ۵۶ کتاب نگارش



۲

کلمه های هم معنا را پیدا کن و کنار هم بنویس.

.....

.....

.....

.....

.....

حرف - یاری - سعی - مهربانی - محبت - کمک -
 تلاش - صحبت - موقع - زیاد - خیلی - وقت

۳

طبقه بندی کن.

عمو - پسردایی - خاله - دخترعمو - پسرعمه - دخترخاله - دایی - عمه - پسرعمو

..... بستگان پدر:

..... بستگان مادر:

۴

داستان زیر را کامل کن.

گنجشک کوچولو روی شاخه ی درخت نشسته بود و از آن بالا، رودخانه را تماشا می کرد. او از تنهایی خسته شده بود. ناگهان تصمیم گرفت

صفحه ی ۵۷ کتاب نگارش



۲

کلمه‌های هم‌معنا را پیدا کن و کنار هم بنویس.

حرف - یاری - سعی - مهربانی - محبت - کمک -
تلاش - صحبت - موقع - زیاد - خیلی - وقت

حرف = صحبت یاری = کمک
سعی = تلاش مهربانی = محبت
موقع = وقت زیاد = خیلی

۳

طبقه‌بندی کن.

عمو - پسردایی - خاله - دخترعمو - پسرعمه - دخترخاله - دایی - عمه - پسرعمو

بستگان پدر: عمو - دخترعمو - پسرعمه - عمه - پسرعمو

بستگان مادر: پسر دایی - خاله - دخترخاله - دایی

۴

داستان زیر را کامل کن.

گنجشک کوچولو روی شاخه‌ی درخت نشسته بود و از آن بالا، رودخانه را تماشا می‌کرد. او از تنهایی خسته شده بود. ناگهان تصمیم گرفت دوست جدیدی برای خودش پیدا کند

صفحه ی ۵۷ کتاب نگارش

برای همین پرواز کرد و رفت پیش پدر و مادرش تا او را راهنمایی بکنند.



نوشته‌ی زیر را پر رنگ کن و زیبا بنویس.

۱

ماه مهربان من، مهر آسمان من، نور دیدگان من، گل بگو و گل بشنو

تصویر زیر را رنگ بزن و هرچه دوست داری، درباره‌ی آن بنویس.

۲



صفحه‌ی ۵۸ کتاب نگارش



نوشته‌ی زیر را پررنگ کن و زیبا بنویس.

۱

ماه مهربان من، مهر آسمان من، نور دیدگان من، گل بگو و گل بشنو

تصویر زیر را رنگ بزن و هرچه دوست داری، درباره‌ی آن بنویس.

۲



آزاده و امین بچه‌های مهربانی هستند، آن‌ها همیشه به پرنده‌ها دانه می‌ریزند تا گرسنه نمانند.

صفحه‌ی ۵۸ کتاب نگارش

